Iranian Research Letter of International Politics
Vol. 10, Issue. 1, Autumn & Winter 2021
Pages: 389-413
Doi: 10.22067/irlip.2021.67758.1005

پژوهش‌نامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
سال 10 ، شماره 1، پاییز و زمستان 1400
صفحات: 413-389

نوع مقاله: پژوهشی

راهبرد دفاع آفندی در حضور برون‌مرزی ایران در عمان و سوریه

امیرحسین وزیریان[1]، شهروز شریعتی[2]

تاریخ دریافت: 1399/08/07؛ تاریخ پذیرش: 1400/03/10

چکیده

حضور ایران در عمان و سوریه در طول نیم قرن گذشته، از نشانگان افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای سیاست خارجی ایران تلقی شـده اسـت. این مقاله با بهره‌گیری از داده‌های مسـتند، منابع دسـت اول و روش اسـنادی و تحلیل پسـارویدادی مبتنی‌بر روش مقایسـه‌ای، در پی پاسـخ به این پرسـش اسـت که «چرا ایران طی نیم قرن اخیر در بحران‌های دو کشـور عربی عمان و سـوریه حضـور یافته و این حضـور نظامی چه دسـتاوردی برای منافع ملی ایران داشته است؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود تفاوت‌های ماهوی نظام بین‌الملل و رژیم سیاسی حاکم بر کشـور طی نیم قرن گذشـته، حضـور نظامی ایران در قلمرو پادشـاهی عمان و جمهوری عربی سـوریه در پرتو ضـرورت‌های حاصـل از محاصـرۀ ژئوپلیتیکی و لزوم خنثی‌سـازی تهدیدهای محیط پیرامونی در مرزهای خارج از کشور بوده است. این مقاله همچنین با استفاده از آموزه‌های نظریه رئالیسم و بهره‌گیری از مفهوم دفاع آفندی نشان می‌دهد دسـتاورد این حضـور برون‌مرزی ایران در بحران عمان، جلوگیری از به‌خطر افتادن امنیت انرژی کشـور و تهدید گسـترش خطر کمونیسـم در خلیج فارس، و در بحران سـوریه پاسـداری از تمامیت ارضـی و خنثی‌سـازی قابل‌توجه تهدید ژئوپلیتیکی رادیکالیسم سلفی در منطقه غرب آسیا بوده است.

واژگان کلیدی: ایران، سیاست خارجی، دفاع آفندی، عمان، سوریه

---

1. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Vazirian.amir@gmail.com
2. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
shariati@modares.ac.ir

Forward Defense Strategy in Iran's Overseas Presence in Oman and Syria

Amir Hossein Vazirian[1]**, Shahrooz Shariati**[2]

Abstract

Iran's military presence in Oman and Syria over the past half-century has been seen as a sign of growing regional power and influence in Iran's foreign policy. This article seeks to answer the question of why Iran was involved in the crises of the two Arab countries of Oman and Syria during the last half century, and what has this military presence achieved for Iran's national interests? To find this answer, documentary data, reliable sources and documentary methods, post-event analysis and comparative methods have been used. Findings show that despite the essential differences between the international system and the ruling political regime in Iran in the last half century, Iran's military presence in the territory of the Kingdom of Oman and the Syrian Arab Republic was to free Iran from geopolitical siege. Using the teachings of the theory of realism and the concept of offensive defense, the article shows that the achievement of Iran's overseas presence in the Oman crisis was to prevent endangering energy security and the threat of the spread of communism in the Persian Gulf region. Iran's military presence in the Syrian crisis also significantly neutralized the geopolitical threat of Salafi radicalism in the West Asian region, in addition to preserving Iran's territorial integrity.

Keywords: Iran, Foreign policy, Offensive defense, Oman, Syria

1. PhD, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Vazirian.amir@gmail.com

2. Associate professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

مقدمه

تحلیل‌های متفاوتی دربارهٔ حضور برون‌مرزی ایران در عمان و سوریه صورت گرفته است که برخی آن را نشانهٔ سیاست خارجی تهاجمی و جاه‌طلبانهٔ ایران دانسته‌اند (Holliday, 1979: 253-260; Rabinovich, 2019). برخی نیز آن را تلاشی در راستای امنیت رژیم سیاسی قلمداد کرده‌اند و بر این باورند که این حضور، با هدف جبران کسری مشروعیت رژیم سیاسی، انتقال بحران از داخل به خارج و تقویت موقعیت داخلی از گذر مداخلهٔ خارجی صورت پذیرفته است (Tohidi, 2017; Kazemian, 2016). فقدان دقت و جامعیت کافی در این تحلیل‌ها، هدف اصلی نگارش پژوهش حاضر بوده است، زیرا تحلیل‌های دسته نخست، در حالی به نیت‌خوانی از حضور تهاجمی ایران پرداخته‌اند که از الزام‌های ژئوپلیتیکی و دفاعی ایران غافل شده‌اند. تحلیل‌های دسته دوم نیز افزون بر معضل گفته‌شده، فاقد شواهد تجربی کافی است؛ به‌ویژه که ایران برخلاف کشورهای دیگر منطقه، در هر دو دوره از ثبات و مشروعیت نسبی برخوردار بوده است و تأکید بر گسترش سیاست‌های عمومی در دهه 1350 و نرخ مشارکت سیاسی مطلوب در هفت سالهٔ نخست دهه 1390، مهم‌ترین گواه این امر است (Gasiorowski, 2009: 250-262; Eghtesad Online, 2019). براین‌اساس به نظر می‌رسد تحلیل حضور برون‌مرزی ایران در چارچوب رویکرد ژئوپلیتیکی-امنیتی، قابلیت بیشتری برای تبیین دارد، زیرا نگاه به حضور برون‌مرزی ایران از دریچهٔ ملاحظات ژئوپلیتیکی و امنیتی، بیانگر آسیب‌پذیری جغرافیایی ایران و به‌ویژه فقدان مرزهای دفاعی طبیعی تسخیرناپذیر و مجاورت جغرافیایی با کانون‌های تهدیدات منطقه‌ای است. این شرایط، نقش ویژه‌ای در نگاه تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران از تحولات محیط پیرامونی ایفا کرده است و آنان را به این برداشت رسانده است که هرگونه تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه در راستای افزایش محاصرهٔ ژئوپلیتیکی ایران و تغییر موازنهٔ قدرت و به ضرر امنیت کشور است؛ به‌ویژه آنکه، تجربهٔ تاریخی جنگ چالدران و جنگ تحمیلی نیز گویای آسیب‌پذیری جغرافیایی و شکست تجربهٔ اتکا به مرزهای کشور به‌عنوان خاکریز دفاعی بوده است (Reisinezhad, 2020).

ایران در شرایط تثبیت با درپیش گرفتنِ سیاست دفاع آفندی و از راه حضور مؤثر در مسائل امنیتی منطقه، در صدد افزایش امنیت نسبی خود در شرایط خاص ناامنی حاصل از بحران بوده است تا از سویی تهدیدهای امنیتی را دفع کند و از سوی دیگر از تهدیدهای جدید ناشی از تغییرات جدید

ژئوپلیتیکی پیشگیری کند (Barzegar, 2009: 128)؛ ازاین‌رو، این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که چرا ایران طی نیم قرن اخیر در بحران‌های دو کشور عربی عمان و سوریه حضور یافت و این حضور برون‌مرزی چه دستاوردی برای منافع ملی ایران داشته است؟ فرضیهٔ پژوهش حاضر این است که با وجود تفاوت‌های ماهوی نظام بین‌الملل و رژیم سیاسی حاکم بر کشور طی نیم قرن گذشته، حضور برون‌مرزی ایران در قلمرو پادشاهی عمان و جمهوری عربی سوریه در پرتو ضرورت‌های حاصل از محاصرهٔ ژئوپلیتیکی و لزوم خنثی‌سازی تهدیدات محیط پیرامونی در مرزهای خارج از کشور بوده است و دستاوردهای مهمی برای کشور به همراه داشته است.

در مورد پیشینهٔ پژوهشی این مقاله بیان این نکته ضروری است که این آثار بیشتر در دو دسته قابل‌بررسی است: دستهٔ نخست، پژوهش‌هایی که جنبش ظفار در عمان را با نگاه تاریخی–تحلیلی بررسی کرده‌اند. از شاخص‌ترین آثار این حوزه می‌توان به «ناگفته‌های جنگ ظفار» (2014) و «نقش‌آفرینی ایران در خلیج فارس و دریای عمان» (2017) نوشته محمدجعفر چمنکار اشاره کرد. دسته دوم آثار پُرشماری را دربر می‌گیرد که به بررسی ریشه‌ها، ابعاد و زوایای بحران سوریه پرداخته‌اند. کتاب «نبرد برای سوریه» نوشته کریستوفر فیلیپس (2016)، کتاب« بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای» سید علی نجات (2017) و مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه رضا سیمبر و روح‌الله قاسمیان (2014) نمونه‌ای از این آثار به شمار می‌رود. وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار ذکرشده در این است که این پژوهش بحران در دو کشور عمان و سوریه و راهبرد دفاع آفندی در سیاست منطقه‌ای ایران را به‌گونه‌ای مقایسه‌ای مطالعه کرده است. افزون‌براین، پژوهش حاضر با روش اسنادی و تحلیل پساررویدادی مبتنی‌بر روش مقایسه‌ای تدوین شده است. روش گردآوری اطلاعات و مطالب نیز مبتنی‌بر جست‌وجوی منابع دست اول، کاوش منابع اینترنتي، گفت‌وگوی شخصی با تعداد معدودی از نظامیان ایرانی حاضر در صحنه سوریه و عمان و سرانجام استفاده از اخبار و اطلاعات مربوط به سیاست خارجي ایران، عمان و سوریه بوده است.

1. چارچوب نظری پژوهش

مفهوم «راهبرد دفاع آفندی» به حضور رو به جلوی نیروهای مستقر یا درحال استقرار در خارج از کشور برای نشان دادن عزم ملی، تقویت اتحادها، منصرف کردن دشمنان بالقوه و تقویت واکنش

سـریع به تهدیدهای خارجی اشـاره دارد. از مهم‌ترین عناصـر دفاع آفندی برون‌مرزی، اعزام نیروها (مسـتشـاری و نظامی)، ایجاد پایگاه‌های نظامی، کمک‌های تسـلیحاتی و همکاری‌های امنیتی با کشور موردنظر است (U.S Department of Defense, 2010: 111).

این راهبرد دفاعی در پی خنثی‌سـازی، مهار یا دفع تهدیدها و تجاوزهای نظامی پیش از رسـیدن آن به قلمرو مرزهای ملی یک کشـور اسـت؛ به‌این‌معنا که یک کشـور برای جلوگیری از درگیری در مرزهای خود در خارج از مرزها با دشمنان مقابله می‌کند (Yousef, 2019). درواقع، دفاع آفندی یک راهبرد خط مقدم برای جلوگیری از پیشروی تهدیدات محیط پیرامونی به خاکریز خودی است که از طریق گسـترش حضـور نظامی برون‌مرزی صـورت می‌پذیرد (Davis, 2018). این راهبرد، پاسـخ منطقی به تحولات و شرایط ژئوپلیتیکی پُرخطر محیط پیرامونی است و ریشه در این گزارهٔ صریح دارد که «اگر در خارج از مرزها با تهدید نجنگیم مجبور می‌شـویم در درون مرزهای خود مان بجنگیم» (Edward, 2015). سابقهٔ این راهبرد به روم باستان بازمی‌گردد و از نظر استراتژیست‌های آن دوران، گسـترش قلمرو دفاعی و انتقال به آن سـوی مرزها با هدف تأمین مرزهای قابل دفاع و در راسـتای منطق امنیت و بقا بوده اسـت (Lutwak, 1976: 136). این سـازوکار بر این فرض رئالیسـتی استوار است که ساختار نظام بین‌الملل آنارشیک و مبتنی‌بر اصل خودیاری است و دولت‌ها به هر طریق ممکن باید به تأمین امنیت خود بپردازند (Waltz, 2008: 58-79). از این منظر، دفاع برون‌مرزی راهبردی برای جلوگیری از کاهش امنیت دولت‌ها و حفظ توازن قدرت محسـوب می‌شـود (Holsti, 1995: 39-42). در این چارچوب اگر دو کشـور متحد یکدیگر باشـند یا «برداشـت[1]» یکسـانی از تهدیدهای خارجی داشته باشند، اجازهٔ حضور خارجی متحد خود را در قلمروشان خواهند داد. در این معنا حضور نظامی یک کشور در کشور دیگری به معنای برقراری نوعی اتحاد به علت برداشت مشترک از تهدیدها و دستیابی به منافع مشترک احتمالی است (Barnett & Levy, 1992: 19-40). اگرچه در دفاع آفندی، تهدید منافع ملی عامل کلیدی است؛ بااین‌حال، عوامل مؤثر دیگری همچون شانس موفقیت، برآورد هزینه مالی و انسانی، میزان حمایت داخلی و بین‌المللی از این شیوهٔ دفاعی دخیل اسـت؛ به‌ویژه اینکه زمانی که منافع یک کشـور آن‌قدر تهدید شـود که جایگزینی برای دفاع

1. Perception

آفندی وجود ندا شته با شد، انجام این راهبرد اجتناب‌ناپذیر می شود. در این معنا، اتخاذ این راهبرد، عملی تدافعی در راســتای اعمال بازدارندگی، افزایش امنیت نســبی و ایجاد موازنه به‌شــمار می‌آید (Brooks & Kanter, 1994: 17).

دفاع آفندی با توجه به این اصل کلیدی رئالیسم تدافعی قابل‌فهم است که چون در نظام آنارشیک بین‌الملل واحدها دربارۀ «برزیستن[1]»، موقعیت و منافع‌شان نگران هستند، بخشی از تلاش خود را نه برای پیشــبرد اهداف بلکه برای فراهم‌ســازی ابزارهای حفاظت از خود در برابر دیگران صــرف می‌کنند (Waltz, 1979: 105).

2. یافته‌های پژوهش

2-1. شکل‌گیری بحران عمان

فقر و بیکاری شــدید در ســال‌های پس از جنگ دوم جهانی موجب شــد تا جوانان اســتان ظفار، در جست‌وجوی کار راهی کشورهای عربی شده و به‌تدریج با جنبش‌های سوسیالیستی‌ـــناسیونالیستی آشــنا شــوند. در 9 ژوئن 1965 جنبش آزادی‌بخش ظفار اعلام موجودیت کرد و برخی کشــورهای متمایل به بلوک شرق از آن‌ها حمایت کردند (Ladwig, 2008: 64-66).

جنبش «آزادی‌بخش ظفار» (DLF[2]) با اتخاذ مرام کمونیستی کوشید ضمن یارگیری از توده مردم فقیر منطقه ظفار، ارتش آزادی‌بخش خلق را برای مبارزات خود تشــکیل دهد. از اعضــای برجســتۀ هســـته مرکزی این گروه در این دوره مســـلم بن نوفل الکثیری و یوســـف بن علوی بن عبدالله وزیر خارجۀ پیشین عمان بودند (Jones, 2011: 560).

این گروه پس از برگزاری کنگره ســپتامبر 1968 در شـــهر «حمرین» با اعلام اســتراتژی جنگ چریکی و گسترش موضع‌گیری خود از عمان به کل خلیج فارس تحت تأثیر آموزه‌های مارکسیستی، نام خود را به «جبهه مردمی آزادی خلیج اشغالی عربی» (PFLOAG[3]) تغییر داد. آن‌ها با اعلام شعار «مبارزه با امپریالیسم، استعمار، بورژوازی و فئودالیسم» ضمن روابط نزدیک با یمن جنوبی و افتتاح

1. Survive
2. Dhofar Liberation Front
3. Popular Front for the Liberation of the Occupied Arabian Gulf

دفتر خود در این کشور با پشتیبانی آن‌ها توانستند بیشترِ سرزمین‌های غربی عمان در استان ظفار را ازجمله شهر ساحلی استراتژیک «رخیوط[1]» و غارهای «شرشیتی[2]» به تصرف درآورند (Cooper & Bishop, 2000: 44). برخی منابع شمار هسته مرکزی آن را حدود 2000 چریک تمام‌وقت و 4000 چریک نیمه‌وقت اعلام کرده‌اند (DeVore, 2012: 150).

2-2. شکل‌گیری بحران سوریه

برخورد نظام سیاسی سوریه با معترضان، مخالفت‌ها را از مرزهای سوریه فراتر برد و این کشور به صحنهٔ جنگ سرد جدیدی تبدیل شد. ریشه‌های شکل‌گیری بحران سوریه چندوجهی بود. از منظر اقتصادی پایین بودن قدرت خرید مردم و قرار گرفتن در زمرهٔ کشورهای فقیر نقش مهمی در ایجاد ناآرامی‌ها داشت. از منظر سیاسی نیز شکاف‌های طایفه‌ای–قومیتی در ساختار قدرت، حمایت سوریه از جریان مقاومت، مخالفت اهل سنت با حزب بعث سوریه و ادعای الحاد علویان حاکم از سوی علمای تندرو، سبب تشدید مخالفت‌ها با نظام سیاسی شده بود. افزون بر آن، از منظر اجتماعی نیز تنوع شدید مذهبی (علویان، اهل تسنن، کردها، دروزی، ارمنی و مسیحی) ازجمله عوامل واگرایی اجتماعی مردم از نظام سیاسی سوریه به شمار می‌رود(Jamshidi&Seifi, 2017: 118-110).

جنبش سیاسی مخالفان در ابتدا خواهان کناره‌گیری اسد بود اما پس از گذشت چند ماه این اعتراض‌ها به علت حمایت‌های خارجی سمت‌وسوی مسلحانه به خود گرفت و از اعتراض سیاسی تبدیل به شورش نظامی علیه دولت مرکزی شد. علاوه بر آن، شکست دولت‌های خارجی در رفتن اسد از قدرت، آن‌ها را به سوی مسلح کردن مخالفان سوق داد. به‌طور مشخص، حمایت شورای همکاری خلیج فارس از پیشنهاد قطر در اجلاس امنیتی منامه مبنی بر حمایت از اعتراض‌های مسلحانهٔ مخالفان دولت سوریه منجر به تشدید بحران در این کشور و تقسیم بازیگران بحران به چند دسته شد (Phllips, 2016: 125). به‌بیان روشن‌تر، تشکیل «ارتش آزاد سوریه[3]» با هدف برپایی حکومتی سکولار–دموکراتیک، «شورای ملی سوریه[4]» به‌مثابه جناح سیاسی ارتش آزاد و سرانجام، تشکیل گروه‌های مسلح تکفیری داعش و جبهه النصرة همگی حاصل شرایط بی‌ثبات در سوریه بود

1. Rakhyut
2. Shirshiti Caves
3. Free Syrian Army
4. Syrian National Council

(Lister, 2016: 4-24; Nejat, 2017: 76-89). تعداد نفرات ارتش آزاد سور به 50/000، داعش 25/000 و جبهه النصرة 10/000 نفر برآورد شده است (Schmitt, 2016).

3. تجزیه‌وتحلیل

3-1. دفاع آفندی ایران در عمان

• **بردا شت تهدید از بحران عمان:** پیشروی شور شیان ظفار در ایران دهۀ 1350، نشانۀ تعلقات قلمروخواهانۀ مسکو برای دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس تلقی شد. ایران معتقد بود انقلاب ظفار انقلابی کمونیستی است که امکان تحمل آن در منطقه میسر نیست (Chamankar, 2017: 408). علت نگرانی این بود که حضور روس‌ها در مرزهای شمالی، به‌قدرت رسیدنِ ناسیونالیست‌های عرب طرفدار مسکو در مرزهای غربی (عراق) و کودتای ضد سلطنتی جمهوری‌خواهان نزدیک به کرملین در مرزهای شرقی (افغانستان)، ایران را در محا صرۀ تهدید سرخ قرار داده بود. شاه به سفیر ایالات متحده در ایران گفته بود ما از هر طرف توسط دشمنان در محاصره قرار گرفته‌ایم(Goode, 2014: 457).

در نظر ایران، پیروزی شور شیان ظفار در عمان به‌منزله تکمیل محا صره ژئوپلیتیکی و ازد ست رفتن تنها فضای تنفس راهبردی در مرزهای جنوبی بود. روزنامه «آیندگان» در تحلیل این موضوع نوشته بود: «چریک‌های ظفار می‌توانند با استفاده از موشک‌های کاتیوشا با بُرد ده کیلومتر برای حرکت کشتی‌ها در تنگه هرمز خطرساز باشند» (Chamankar, 2017: 401). شاه نیز در مصاحبه‌ای با «ساندی‌تایمز» در اسفند 1352 دراین‌باره گفته بود: «شورشیان ظفار می‌توانند با توپ‌های دورزن خود حتی یک نفتکش 500 هزار تنی را غرق کنند» (Pahlavi, 1974: 6).

او همچنین دربارۀ اهمیت امنیت تنگه هرمز در مصاحبه با محمد حسنین هیکل اظهار داشت: «تنگه هرمز گذرگاه ما به‌سوی جهان است. این راه عبور نفت ایران است که هر روز 180 میلیون دلار ارزش دارد» (Pahlavi, 1975: 5). امیر طاهری، سردبیر وقت روزنامه کیهان نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیاست ایران در خلیج فارس» در تبیین اهمیت ژئواکونومیکی تنگه هرمز یادآور شد: «ایران نزدیک به شش میلیون بشکه نفت در روز به ارزش حدود 20 میلیارد دلار تنها در سال 1974 صادر کرده است که از مجموع درآمدهای 65 سالۀ گذشتۀ کشور بیشتر بوده است؛ بنابراین، خلیج فارس برای رشد و بقای آیندۀ ایران اهمیت حیاتی دارد» (Taheri, 1975: 425). ازسوی‌دیگر، ایران

نگران تغییر موازنه و نظم امنیتی منطقه خلیج فارس بود و تلاش شـــورشـــیان چپ‌گرای ظفار برای تشکیل دولت جدید در عمان را در این را ستا ارزیابی می‌کرد (Pahlavi, 2000: 273). این بردا شت تهدید ازآن‌رو در ذهن تصـــمیم‌گیرندگان ایرانی شـکل گرفته بود که شـورشـیان عمانی در اعلامیه‌ای آزادی ظفار را نخستین گام برای آزادی خلیج فارس دانسته و تداوم مبارزه‌های خود علیه امپریالیسم، اســتثمار ســرمایه‌داری و مبارزه با حکمرانان منطقه‌ای را در کل خلیج فارس یگانه هدف خود اعلام می‌کردند. ایران مطابق نظریه «دومینو» اعتقاد داشت سقوط دولت عمان به‌منزلهٔ نقطهٔ آغاز فروپاشی سایر کشورهای کوچک عرب منطقه است که این مسئله سبب‌سازِ بحران جدی برای خلیج فارس خواهد شـد. امیرعباس هویدا نخسـت‌وزیر وقت ایران پس از سـرکوب این شـورش گفته بود: «اگر یاغیان ظفار موفق می‌شدند می‌توانستند تا کویت پیشروی کنند» (Chamankar, 2012: 39).

• **منطق و راهبرد دفاعی ایران در عمان:** ناتوانیِ ارتش عمان در کنترل شورش ظفار سبب شد ســلطان قابوس از کشــورهای منطقه برای مقابله با اقدامات شــورشــیان درخواســت کمک کند؛ بااین‌حال، فقدان منابع مالی‌ـــــنظامی جهان عرب، نوپا بودن چهار کشــور حاشــیه خلیج فارس (کویت، قطر، امارات متحده و بحرین) و رویکرد محافظه‌کارانهٔ سیاست خارجی عربستان سعودی ازجمله دلایل ورود نکردنِ پادشـــاهی‌های عربی به بحران ظفار بود (Goode, 2014: 458). در چنین شرایطی، پادشاه عمان برای مقابله با اقدامات جدایی‌طلبانه در مناطق جنوبی خود، به‌صورت رسمی از ایران درخواست کمک کرد (Ettelaat Newspaper, 1974: 4).

از نظر ایران حضور برون‌مرزی در عمان بر اساس منطق دفاع آفندی روبه‌جلو و گامی در راستای بقای سیاسی موجودیت کشور و حراست از منافع ملی و امنیت منطقه‌ای به شمار می‌رفت و منافع ملی ایجاب می‌کرد ارتش حتی در خارج از مرزها قربانی دهد (Ettellaat Newspaper, 1975: 3)؛ ازاین‌رو شـاه پس از مشـورت با سـفیر ایالات متحده در تهران، یک نیروی ویژه 1500 نفری را در بهار 1973 برای کمک به نیروهای عمانی به مسقط اعزام کرد (Helms, 1986).

راهبرد دفاعی ایران در جبهه نبرد ظفار، سدکردنِ روند پیش‌روی معارضان با هدف کاهش پیوستهٔ قلمرو از طریق ایجاد «خط دفاعی هورنبیم[1]» به طول تقریبی 70 کیلومتر بود. این خط دفاعی که تا

1. Hornbeam Defense Line

اوت 1974 تکمیل شد، شامل میدان‌های مین، سیم خاردار، و بناهای کوچک مستحکمی بود که از داخل به ساحل امتداد داشت و از گشت‌زنی و پیشروی آسان شورشیان از یک بخش به بخش‌های دیگر استان ظفار جلوگیری می‌کرد. در دسامبر 1974، پس از ایجاد خط دفاعی هورنبیم یک گروه 1200 نفرۀ برگزیده از سربازان ایرانی وارد خاک عمان شد و «عملیات تیمبل[1]» را آغاز کردند. هدف اصلی این عملیات، گرفتن جادۀ میدوی[2] به صلاله[3] مشهور به جاده سرخ به‌عنوان مسیر اصلی ارتباطی و تدارکاتی میان مسقط و ظفار بود. حملات مداوم شورشیان به این محور به‌شدت از اقتدار دولت مرکزی در استان ظفار کاسته بود. ایران نیروهای خود را در استان ثمریت[4] متمرکز و پایگاه هوایی محلی را به مرکز نظامی مهمی تبدیل کرد. پشتیبانی توپخانۀ سنگین، بالگردها و هواپیماهای جنگی به نیروهای ایرانی کمک کرد تا بتوانند کنترل جاده میدوی را در دست بگیرند که این امر به‌منزله در انزوا قرار دادنِ شورشیان و قطع خطوط مواصلاتی و راه‌های کمک‌رسانی به آن‌ها بود (Farrokh, 2018: 547-548).

افزون‌براین، نیروهای ارتش ایران در تداوم روند پاک سازی راه‌ها، تسلط بر خطوط مواصلاتی و محدود کردن امکان دسترسی شورشیان به مهمات و تدارکات لجستیکی واردشده از مرز یمن جنوبی، خط دفاعی دماوند[5] را ایجاد کردند تا مانع اعزام شورشیان تازه‌نفس و کمک‌های لجستیکی از این مرز شوند. مهم‌ترین ابزار نیروهای نظامی ایران دسترسی به بلندی‌ها و تقویت مواضع خودی و واردکردن ضربات سنگین به شورشیان با بهره‌گیری گسترده از واحدهای هوانیروز بود (Chamankar, 2014: 19).

در گام بعدی نیروهای ایرانی 4000-3000 هزار سرباز خود را در امتداد محور شمال به جنوب شهر بندری رخیوط در 40 کیلومتری مرز یمن جنوبی متمرکز کردند تا بتوانند آن را باز پس گیرند. ازآنجاکه شهر ثمریت مرکز شورشیان بود و بر سر راه تصرف «رخیوط» قرار داشت، نیروهای ایرانی باید این شهر را نیز کنترل می‌کردند. سرانجام در ژانویه 1975 شهر رخیوط توسط نیروهای

1. Operation Thimble
2. Midway Road
3. Salalah
4. Thumrait
5. Damavand Defense Line

ایرانی تسخیر شد. درنهایت، با پیاده شدن یگان کماندوهای ایرانی در مرز عمان-یمن جنوبی و نابود کردن دو پایگاه اصلی شورشیان، عقبهٔ مقاومت شورشیان شکسته شد و با فرار چریک‌ها به آن سوی مرز، نبرد ظفار رسماً در دسامبر 1975 پایان یافت (ward, 2009: 204). بنا بر گزارش کارشناسان نظامی انگلیسی، هزینهٔ حضور ایران در عمان حدود یک میلیارد دلار برآورد شد (Chamankar, 2014: 17-25). این رقم معادل 3 درصد مجموع بودجهٔ دفاعی ایران در سال‌های 1978-1973 بوده است.

جدول 1. بودجه دفاعی ایران در سال‌های **1978-1973**(میلیارد دلار)

سال	بودجه دفاعی
1973	3/1
1974	4/4
1975	6/2
1976	7/6
1977	8/2
1978	8/6

Source: Shakoori&Vazirian, 2019: 67.

در مورد تلفات انسانی ایران طی این جنگ آمار دقیقی وجود ندارد؛ بااین‌حال، برخی منابع مجموع تلفات نیروهای ایرانی در جنگ ظفار را 714 کشته و 1414 مجروح اعلام کرده‌اند (Allen & Rigsbee, 2002: 64). سلطان قابوس در پایان این جنگ، ضمن قدردانی از تلاش‌ها و کمک‌های ایران به کشور عمان از قصد خود مبنی بر انجام اصلاحات اقتصادی برای خشکاندن ریشه‌های بی‌ثباتی و شکل‌گیری گروه‌های شورشی خبر داد (Peterson, 2004: 267-268).

به‌این‌ترتیب مهم‌ترین دستاورد دفاع برون‌مرزی ایران جلوگیری از به‌خطر افتادن امنیت انرژی در خلیج فارس، جلوگیری از سرایت کمونیسم و توافق تهران-مسقط در زمینهٔ تعیین حدود آب‌های ساحلی و کنترل مشترک دو کشور بر تنگه هرمز بود.

2-3. دفاع آفندی جمهوری اسلامی ایران در سوریه

● **بردا شت تهدید از بحران سوریه:** بحران سوریه از منظر رهبران ایران بخشی از برنامه خارجی برای سرنگونی متحد اصلی و در خط مقدم محور مقاومت و درنتیجه تغییر موازنه قدرت به ضرر ایران بود (Khamenei, 2018). مخالفت دو کشور با نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد صهیونیستی و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک سیاست منطقه‌ای دو کشور به شمار می‌آید که موجب اتحاد استراتژیک تهران–دمشق شده بود (Goodarzi, 2013: 11-17). افزون‌براین، جایگاه ژئواستراتژیک سوریه در پیوند سه قارهٔ آسیا، اروپا و آفریقا، وجود تنگه جبل‌الطارق و کانال سوئز و نقش آن در ترابری و کشتی‌رانی، همسایگی با لبنان، ترکیه، عراق، و اسرائیل به‌عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه و کریدور ارتباطی ایران با حزب‌الله لبنان، از مزیت‌های سوریه برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود (Simber & Ghasemian, 2014: 143-178).

اعلام آشکار اوباما مبنی بر اینکه زمان کناره‌گیری اسد از قدرت فرا رسیده است، نقطه تحولی در ادراک تهدید ایران نسبت به بحران سوریه بود (Phillips, 2011). ایران این اظهارات را مرحلهٔ تازه‌ای از بحران سوریه قلمداد کرد که در آن آمریکا و متحدانش در حال آغاز سیاست مداخله‌جویانه‌ای در دمشق هستند که هدف اصلی آن سرنگونی اسد و تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران و محور مقاومت است. با توجه به اینکه بیشترِ کشورهای عربی رویکردی ارتجاعی و مخالف به بهار عربی به‌ویژه اعتراض‌های بحرین و یمن داشتند، حمایت آن‌ها از معترضان سوری حرکتی ژئوپلیتیکی قلمداد شد. بعدها از پادشاه عربستان سعودی نیز نقل شد که هیچ اقدامی به‌اندازهٔ ازدست دادن سوریه نمی‌تواند به ایران ضربه بزند (Hannah, 2011). افزون‌بر عربستان، عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه نیز اعلام کرد اعتماد خود را نسبت به رژیم سوریه از دست داده است (Barnard, 2011). مخالفان اسد نیز با نگاهی ضد ایرانی و سردادنِ شعارهایی با مضمون «نه حزب‌الله نه ایران» رویکرد خود را در قبال آیندهٔ روابط با ایران نشان دادند. ازجمله برهان غلیون رئیس شورای ملی سوریه اعلام کرد روابط فعلی ایران و سوریه غیرعادی است و پس از رفتن اسد، رویکرد سوریه نسبت به ایران و متحدانش همچون حزب‌الله تغییر خواهد یافت (Wall Street Journal, 2011).

مجموع این نشانه‌ها ایران را به این نتیجه رساند که بحران سوریه تلاشی برای جبران کسری موازنه و منافعی است که ایران به‌ویژه پس از جنگ 2003 عراق، جنگ 2006 حزب‌الله–اسرائیل

(جنگ 33 روزه) و سرنگونی دیکتاتورهای سکولار طرفدار آمریکا در مصر، تونس و یمن به‌دست آورده بود؛ بنابراین، در نظر آن‌ها گام بعدی پس از سقوط اسد، تهدید مستقیم ایران خواهد بود. مهدی طائب رئیس قرارگاه عمار، دراین‌باره اظهار داشت، سوریه استان استراتژیک ماست و اگر سوریه را از دست بدهیم، تهران را نیز نمی‌توانیم حفظ کنیم (Taeeb, 2012).

● **منطق و راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سوریه:** رویکرد کلی ایران در سال نخست بحران سوریه حمایت از ابتکارات داخلی سوریه برای تفاهم با معترضان و انجام اصلاحات در چارچوب قانون بود؛ بااین‌حال، گسترش دامنهٔ درگیری و ناتوانی نیروهای مسلح سوریه، حضور ایران را به‌منظور مدیریت منازعه پس از درخواست کمک اسد اجتناب‌ناپذیر کرده بود. ضعف نیروهای مسلح سوریه به‌ویژه در ژوئیه 2012 آشکار شد که جمعی از مقامات ارشد امنیتی سوریه که به‌منظور تدوین یک راهبرد جامع و هماهنگ برای مقابله با بحران گرد هم آمده بودند، مورد سوءقصد مخالفان قرار گرفتند. در این حادثه سپهبد داوود عبدالله راجحه وزیر دفاع، آصف شوکت رئیس سازمان اطلاعات و شوهر خواهر بشار اسد، حسن تورکمانی رئیس اتاق بحران و هشام الاختیار رئیس شورای امنیت ملی سوریه کشته شدند (MacFarquhar, 2012).

به‌موازات حضور ایران، حزب‌الله نیز به‌عنوان مهم‌ترین گروه متحد ایران در جبهه مقاومت، حضور خود را در سوریه تسریع بخشید و نقش فعالی را بر عهده گرفت. منطق حضور دفاعی ایران در بحران سوریه نیز بر مبنای دفاع آفندی بود. آیت‌الله خامنه‌ای با تشریح این منطق با اشاره به شهدای مدافع حرم اظهار داشت: «این‌ها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر این‌ها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیهٔ استان‌ها با این‌ها می‌جنگیدیم و جلوی این‌ها را می‌گرفتیم» (Khamenei, 2016).

برداشت تهدید از بحران سوریه با ظهور گروه‌های تکفیری تثبیت شد و افسران نیروی قدس به‌منظور آموزش و فرماندهی نیروهای ارتش اسد به سوریه اعزام شدند. راهبرد دفاعی ایران در جبهه نبرد سوریه یک رویکرد سه‌لایه‌ای تکاملی را در برگرفت که در سه فاز بسیج شبه‌نظامیان محلی، اعزام جنگجویان فراملی به سوریه و بهره‌گیری از روسیه به‌منظور موازنه‌سازی در برابر ایالات متحده، به اجرا درآمد (Ahmadian&Mohseni, 2019: 15).

در فاز نخست، محور ایران—حزب‌الله، به‌منظور شکست شورشیان، ساماندهی و هدایتِ گروه‌های

شـــبه‌نظامی محلی در قالب نیروی دفاع ملی[1] را در دســـتورکار خود قرار دادند. هدف ایران از این اقدام، ایجاد نیرویی همچون حزب‌الله بود که می‌توانست با تغییرات میدان نبرد و سیاست‌های منطقه‌ای سازگار شود. در مورد تعداد نفرات نیروی دفاع ملی، آمار واحدی وجود ندارد؛ بااین‌حال، سرتیپ شهید حسین همدانی به‌عنوان فرمانده اصلی نیروهای ایرانی در سوریه، در مه 2014 تعداد آن‌ها را حدود 70/000 نفر برآورد کرده بود که در 128 یگان نیروی دفاع ملی ساماندهی شدند (Karami, 2014).

در میان این گروه‌های شبه‌نظامی، تیپ ابوالفضل العباس(ع) به رهبری یکی از اهالی شیعه سوری اهل نبل[2] مشهور به ابوعجیب جایگاه ویژه‌ای در راهبرد نظامی ایران داشت. این تیپ از ابتدا با حزب‌الله همکاری داشت و به‌عنوان شریک راهبردی نیروی قدس در محافظت از دمشق در برابر حملات شیعیان و بعداً در محاصره و بازپس‌گیری مناطق تحت کنترل شورشیان خدمت کرد. نیروهای این تیپ با هدایت حزب‌الله عمدتاً اطراف دمشـق، جنوب سـوریه و گاهی غرب و شـمال سـوریه را پوشـش می‌دادند (Al-Tamimi, 2018). افزون‌براین، تیپ امام محمد باقر(ع) به رهبری خالد علی الحســن نیز به‌عنوان یک بازیگر نظامی جدی در شمال سوریه ظاهر شد (Stewart& Al-Khalidi, 2017).

مزیت بهره‌گیری از این راهبرد برای ایران، کاهش حضـــور مســـتقیم همه جانبه بود و ضـــمن جلوگیری از تکه‌تکه شدن سرزمین سوریه، طرحی اقتضایی و منطقی برای تأمین امنیت سوریه به شمار می‌رفت. این امر به ایران امکان تحمیل فشار به‌منظور شکل دادن به توزیع سرزمینی و مناطق نفوذ را حتی در صورت سقوط اسد می‌داد (Ahmadian & Mohseni, 2019: 16).

تشکیل نیروی دفاع ملی در شرایطی انجام شد که شکست‌های پی‌درپی نیروهای ارتش سوریه در اواخر 2012 و اوایل 2013 موجب از دست رفتن کنترل دولت مرکزی در مناطق حلب، حماه و رقه شده بود؛ ازاین‌رو به پیشنهاد سپهبد شهید قاسم سلیمانی و سرتیپ همدانی، راهبرد کنترل مناطق قابل دفاع سوریه به‌جای تمرکز بر به‌دست آوردن کل مناطق اشغال‌شده، سرلوحهٔ کار قرار گرفت. این امر به معنای ایجاد یک خط دفاعی بود که از جنوب ســوریه به دریای مدیترانه امتداد می‌یافت و محور شهرهای سویدا[3]ـ دمشق‌ـ‌حمص‌ـ‌حماه‌ـ لاذقیه را در برمی‌گرفت (Phillips, 2016: 150-151).

---

1. National Defence Forces
2. Nobl
3. Suwayda

در مه 2013 که موقعیت اسد به‌شدت در خطر بود، نیروهای ایرانی‌ـسوری عملیات بزرگی را به‌منظور تصرف شهر قصیر[1] در استان حمص در غرب سوریه انجام دادند. این شهر که از ابتدای نبرد در اختیار مخالفان قرار داشت، به‌دلیل قرار گرفتن در مسیر تأمین لجستیکی مخالفان در حمص و مجاورت آن با ورودی دره بقاع[2] (کانال حرکت نیرو و تسلیحات حزب‌الله لبنان) از اهمیت راهبردی برخوردار بود؛ ازاین‌رو، حزب‌الله لبنان با مشارکت حدود 2000 رزمنده نقش مهمی در بازپس‌گیری شهر قصیر در ژوئن 2013 ایفا کرد (Uskowi, 2018: 82). در پایان سال 2013 نقش برجستهٔ ایران در هدایت عملیات میدان‌های نبرد سوریه و جلوگیری از سقوط حتمی اسد به‌گونه‌ای گسترده، مورد تأیید همگان قرار گرفت؛ چنانکه ریاض حجاب نخست‌وزیر مستعفی سوریه ادعا کرد درواقع، این سپهبد سلیمانی و نه بشار اسد است که در سوریه قدرت دارد (White, 2013).

اگرچه شبه‌نظامیان محلی در تأمین نیروی انسانی و ظرفیت سازمانی برای انجام عملیات نظامی نقش ویژه‌ای را به دولت اسد داد؛ بااین‌حال، با توجه به گسترش نبرد این نیروها به‌تنهایی قادر به حفظ سوریه نبودند (Khaddour, 2016)؛ ازاین‌رو، ایران در فاز دوم راهبرد دفاع آفندی خود با رویکردی منطقه‌ای به سمت بهره‌گیری از گروه‌های مقاومت غرب آسیا گام برداشت و گروه‌های عراقی، افغانی و پاکستانی نیز به جبهه نبرد سوریه اعزام شدند. «عصائب اهل الحق»، «حرکات حزب‌الله نجبا» و «کتائب حزب‌الله» سه گروه عمدهٔ عراقی بودند که از اواخر سال 2012 به سوریه اعزام شدند. این گروه‌ها به‌ویژه در بوکمال، حلب، دیرالزور و جنوب سوریه حضور یافتند (Bakhtiari & Gholipour, 2015).

همچنین، ایران تعداد زیادی از رزمندگان شیعه افغانی‌ـپاکستانی را در سال‌های 2018-2013 در دو تیپ جداگانهٔ فاطمیون و زینبیون به سوریه اعزام کرد. فرمانده تیپ فاطمیون، علیرضا توسلی، مشهور به ابوحامد و فرمانده تیپ زینبیون، محمد جنتی، مشهور به حاج حیدر بود که هر دو در سوریه به شهادت رسیدند. در دو سال نخست جنگ سوریه، حضور این دو تیپ محسوس نبود، اما پس از حملهٔ داعش، حضورشان در صحنه نبرد چشمگیر شد (Kamali dehghan, 2015)؛ بااین‌حال، ناکامی نیروهای ارتش اسد در بازپس‌گیری شهر حلب به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر سوریه، سقوط ادلب

1. Qusayr
2. Beqaa Valley

به‌دســـت مخالفان و تســـلط داعش بر شـــهر پالمیرا نیروهای مقاومت به رهبری ایران را در موقعیت دشواری قرار داده بود؛ به‌گونه‌ای‌که در اوت 2015 نیروهای اسد کنترل کمتر از 20 درصد سوریه را در اختیار داشتند (Strack, 2015).

درک ایران از ضـعف‌های میدانی نبرد سـوریه یعنی عدم پشـتیبانی هوایی رزمی، فقدان حمایت توپخانهٔ پیشـرفته و فقدان یارگیری از یک قدرت بین‌المللی متوازن‌کننده، ایران را به سـمت فاز سـوم دفاع آفندی خود کشاند. در فاز سوم، ایران به‌منظور اطمینان بیشتر از عدم سقوط اسد و برقراری موازنهٔ بین‌المللی در برابر ایالات متحده، به سـمت همکاری با روسـیه گام برداشـت. این امر از آن جهت مهم بود که با گسـترش حضـور داعش در موصـل، رزمندگان عراقی ناچار به بازگشـت به کشورشان شده بودند و از سوی دیگر ارتش سوریه از مارس تا ژوئن 2015 متحمل شکست‌های فراوانی شده بود. در نتیجهٔ این تحولات، کل استان ادلب در شمال و بصرالشام در جنوب را به‌دست مخالفان و بخش هایی از اسـتان حماه و حمص نیز به‌دسـت داعش افتاده بود (Ahmadian & Mohseni, 2019: 18).

از دسـت دادن ادلب، ایران را به همکاری راهبردی با روسـیه به‌منظور افزایش توان دفاع آفندی سـوق داد؛ درنتیجه، روسـیه در سـپتامبر 2015 پس از کسـب مجوز حضـور نظامی از پارلمان، حمله‌های هوایی متعددی را علیه مناطق اشـغال‌شـده انجام داد. در پرتو پشـتیبانی هوایی روسـیه رزمندگان محور مقاومت در نوامبر و دسامبر 2016 توانستند پس از چهار سال به اشغال حلب در شمال سوریه پایان دهند (Bucala, 2017: 5).

در نوامبر 2017 نیز با عملیات نیروهای سـوری‌ـــایرانی، بوکمال از حضـور عناصـر تکفیری پاک سازی شد. ایران پس‌ازآن به تأسیس دو پایگاه نظامی برای استقرار نیروهای هم‌پیمان در شهر بوکمال و المیادین به علت اهمیت حراست از کریدور زمینی محور مقاومت مبادرت ورزید (Azizi, 2020: 1-3).

پس از این عملیات، سپهبد سلیمانی در نامه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای از پیروزی نیروهای مقاومت در مقابل داعش در سوریه و عراق سخن گفت (Soleimani, 2017). در مورد تعداد نیروهای نظامی ایران در سوریه اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ بااین‌حال برخی منابع از حضور 2500 نفر از افسـران ایرانی در سـال 2015 یاد کرده‌اند که تعداد آن‌ها به‌تدریج کاسـته شـد و در بهار 2017 به

حدود 1000 نفر رسید (Kam, 2017: 12). همچنین، برخی منابع تلفات انسانی ایران در سوریه تا اواخر سال 2016 را بیش از 1000 نفر برشمرده‌اند (Reuters, 2016). در مورد هزینه‌های مالی حضور در سوریه نیز آمار مختلفی ارائه شده است که هیچ‌کدام تأیید نشده است؛ بااین‌حال، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه عضو پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس، این رقم را بین 30-20 میلیارد دلار ذکر کرده است (Falahat Pisheh, 2020). در صورت صحت، این رقم معادل حدود 20-16 درصد از مجموع بودجه دفاعی ایران در سال‌های 2019-2011 بوده است.

جدول 2. بودجه دفاعی ایران در سال‌های 2019-2011 (میلیارد دلار)

سال	بودجه دفاعی
2011	13/4
2013	11/2
2015	11/7
2017	14/6
2019	12/6

Source: Stockholm International Peace Research Institute, 2020.

پس از پایان جنگ سوریه در اسفند 1397، بشار اسد به‌منظور تقدیر از ایران به تهران سفر کرد. در تداوم این روند در تیرماه 1399 سرلشکر باقری در سفری به دمشق با همتای سوری خود یک موافقت‌نامهٔ راهبردی دفاعی امضا کرد که از مهم‌ترین مفاد آن ارائه سامانه‌های پدافند هوایی از سوی تهران به سوریه به‌منظور افزایش امنیت مرزهای هوایی این کشور در برابر هجوم رژیم صهیونیستی بود (Nadimi, 2020). در مجموع، مهم‌ترین دستاورد دفاع آفندی جمهوری اسلامی ایران در سوریه، حفظ متحد راهبردی در قدرت، جلوگیری از قطع زنجیرهٔ ارتباطی محور مقاومت و حفظ موازنهٔ قدرت به نفع ایران بود. از مجموع آنچه گفته شد، جدول زیر ارزیابی مقایسه‌ای دفاع آفندی را در سیاست خارجی ایران طی نیم قرن اخیر نشان می‌دهد.

جدول 3. ارزیابی مقایسه‌ای دفاع آفندی در سیاست خارجی ایران طی پنجاه سال گذشته

رژیم سیاسی	پهلوی دوم	جمهوری اسلامی
بازه زمانی	1978-1972	2020-2011
جغرافیای بحران	جنوب عمان-استان ظفار	کل سوریه
گروه‌های معارض	جبهه مردمی آزادی ظفار (6/000 نفر)	ارتش آزاد سوریه، داعش، جبهه النصره، شورای ملی سوریه، نیروهای دموکراتیک سوریه (85/000 نفر)
شدت تهدید	زیاد	بسیار زیاد
حامیان بحران	یمن جنوبی، کوبا، شوروی، چین، عراق	ایالات متحده، اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی، قطر
راهبرد دفاعی ایران برای مقابله با بحران	حضور مستقیم ارتش به‌منظور سد کردنِ روند پیشروی معارضان، ایجاد خط دفاعی هورنبیم-دماوند، استفادهٔ محدود از پشتیبانی هوایی ناتو	حضور مستشاری نیروی قدس برای ایجاد خط دفاعی جنوب به سواحل مدیترانه، ساماندهی گروه‌های مقاومت سوری، لبنانی، افغانی، پاکستانی و عراقی، جلب پشتیبانی هوایی روسیه
حامیان ایران	انگلستان، آمریکا	گروه‌های محور مقاومت، روسیه
هزینه‌های مالی	1 میلیارد دلار حدود 3 درصد بودجه دفاعی 1978-1972	30-20 میلیارد دلار حدود 20-16 درصد بودجه دفاعی 2019-2011
تلفات انسانی ایران	714 نفر	بیش از 1000 نفر
عملکرد ایران	پیروزی در حل بحران	پیروزی در حل بحران
نتایج عملکرد	جلوگیری از اختلال در امنیت انرژی، ممانعت از سرایت کمونیسم، توافق با عمان برای کنترل مشترک تنگه هرمز	حفظ یک متحد راهبردی، جلوگیری از قطع زنجیرهٔ ارتباطی محور مقاومت، حفظ موازنهٔ قدرت به نفع ایران

نتیجه‌گیری

این مقاله نشـــان داد با وجود آنکه حضـــور برون‌مرزی ایران در عمان و ســـوریه از ســـوی برخی پژوهشگران، اقدامی تهاجمی قلمداد می‌شود، اما درواقع، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی کشور تنها جنبهٔ تدافعی دارد و درعین‌حال با درخواست، موافقت و همکاری کامل کشورهای میزبان و به‌منظور پاســداری از نظم منطقه‌ای صــورت پذیرفته اســت. مقاله با نگاهی به حضــور برون‌مرزی ایران از دریچهٔ ملاحظه‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی نشـــان داد آســیب‌پذیری جغرافیایی ایران و به‌ویژه فقدان مرزهای دفاع طبیعی تسخیرناپذیر و مجاورت جغرافیایی با کانون‌های تهدید در غرب آسیا، ایران را ناخواسته وادار به دفاع آفندی کرده است. مطابق این راهبرد، هرگونه تغییرات ژئوپلیتیکی در غرب و جنوب غربی آسیا در راستای افزایش فشار محاصرهٔ ژئوپلیتیکی ایران و تغییر موازنه قدرت و به ضرر امنیت کشـــور و حتی کل منطقه اســـت. این راهبرد هرچند به‌گونه‌ای پیوســـته و در همه‌جا کاربردی

نیســـت، اما در شـــرایطی که ایران بتواند به‌ویژه متحدانی در ورای مرزهای خود بیابد، یکی از کارآمدترین شـــیوه‌های کاهش هزینه‌های حفظ تمامیت ارضـــی و تضـــمین منافع ملی خواهد بود. سیاست خارجی منعطف ایران برای برقراری اتحادهای برون‌منطقه‌ای در برابر تهدیدهای منطقه‌ای نیز از ابعاد پراگماتیســتی این شـیوهٔ تدافعی در دو دوره بوده اســت؛ ارتقای همکاری‌های تاکتیکی و توجیه دقیق قدرت‌های بزرگ برای مقابله با تهدیدهای مشترک ویژگی منحصربه‌فرد سیاست خارجی ایران است که هم‌سایگان آن به هر علت تاکنون توجه کمتری به آن داشته‌اند. در سطح تاکتیکی و عملیاتی نیز کاربســـت این راهبرد واجد این معناســـت که با وجود اینکه راهبرد کلی ایران در طول تاریخ دفاعی و غیرتهاجمی بوده اســـت، تجربه‌های مقابله با گروه‌های تجزیه‌طلب، تروریســـتی و تکفیری و حامیان آن‌ها نشان می‌دهد مبارزه با این گروه‌ها در خارج از مرزها به‌مراتب بیش از واپایش این گروه‌ها در مناطق مرزی، سودمند خواهد بود.

مروری بر راهبرد ســیاســت منطقه‌ای ایران تاکنون نشــان می‌دهد، این راهبرد با حضــور فعال در حلقه‌های امنیتی در جلوگیری از افزایش قدرت تروریسم در غرب آسیا نقشی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر ایفا کرده است. ویژگی این دفاع آفندی به‌ویژه در دورهٔ جمهوری اسلامی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی کشورها در تجهیز گروه‌های مقاومت مردمی ضد تروریسم همچون حشدالشعبی در عراق و نیروی دفاع ملی در سوریه بوده است. جمهوری اسلامی ایران براین‌اساس تاکنون کوشیده است از طریق حمایت از جریان‌های مخالف وضـــع موجود و همچنین اجتماعات شـــیعه در منطقه مانندِ شیعیان حزب‌الله لبنان، شیعیان یمن، عراق، عربستان، سوریه و بحرین، نفوذ خود را در غرب آسیا افزایش دهد و درعین‌حال با افزایش دستاوردها و توانمندی‌های فنی، ایران را به‌عنوان کشوری مستقل و درعین‌حال توسعه‌یافته معرفی کند؛ از سوی دیگر ایجاد تشکیلاتی مانندِ سپاه قدس که همراه با ســایر نیروهای شـیعه و حتی برخی شـبه‌نظامیان سـنّی مخالف هژمونی آمریکا و غرب در منطقه به عملیات مستشاری می‌پردازد، از دیگر مصادیق انضمامی و قابل‌مشاهدهٔ سیاست دفاعی ایران در منطقه به شمار می‌رود.

به‌نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی برای تحقق بیشتر اهداف سیاست خارجی خود باید ضمن نگاه راهبردی و برمبنای پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی منطقه غرب آســیا و جهان، نســبت به بازتعریف عملیاتی اهداف دفاعی در ســیاســت خارجی اقدام کند، زیرا در مواردی بدون

تعریف منافع م شخص برای خود می‌کو شد اهدافی را که برای تأمین امنیت آن‌ها برنامهٔ م شخ صی تدوین نشده است، پیگیری کند. طبیعي است که لازمهٔ انجام چنین کاري، وجود میزاني از انسجام دروني ا ست. مق صود از ان سجام درونی این ا ست که میان تمامی نهادها، چه در حوزهٔ میدان و چه در حوزهٔ دیپلما سی، باید در جهت پیشبرد اهداف کلي سیا ست خارجی کشور هماهنگی راهبردی وجود دا شته با شد. به‌این‌ترتیب به‌نظر می‌ر سد، در شرایط پس از جنگ سرد، منافع ملی و اهداف هژمونیک ایران در منطقه باید هرچه بی شتر به‌دور از هرگونه شعارزدگی، با توجه به نیازها، تهدیدها، جایگاه منطقه‌اي و بین‌المللي و همچنین امکانات و محدودیت‌ها، جمعیت، وســعت ســرزمیني و جغرافیاي ســیاســي و اقلیمي به صــورتي جدید طراحي و اولویت‌بندي شــود که با کمترین هزینه به اهداف دفاعی خود دســت یابد و افزون بر حفظ بقا بتواند با پرداخت هزینه‌هاي اندك و با کنترل تهدیدها و مقابله با خطرهای داخلي، منطقه‌اي و بین‌المللي به آرمان‌هاي خود دست یابد.

منابع

Ahmadian, H., & Mohseni, P. (2019), Iran's Syria strategy: the evolution of deterrence, *International Affairs*, 95 (2), pp. 341-364.

Allen, C., & Rigsbee, L. (2002), *Oman under qaboos: from coup to constitution, 1970-1996*, London: Routledge.

Al-Tamimi, J. (2018), Liwa abu al-fadl al-abbas and the republican guard, aymenn Jawad Al-Tamimi's Blog [Internet], 29 March. Retrived from: http:// www.aymennjawAD.ORG/2018/03/ LIWa-abu-al-fadl-al-abbas- and-the-republican-guard

Azizi, H. (2020), *Iran's multi-faceted strategy in Deir ez-Zor: from fighting terrorism to creating a zone of influence*, German Institute for International and Security Affairs [Internet], 3 March, Retrived from https://www.swp-berlin.org

Bakhtiari, B., & Gholipour, B. (2015), "15 groups fighting on behalf of Iran in Syria", *Radio Farda*, 24 June [Internet], Retrived from: https://www.radiofarda.com/a/f8-shia-militia-in-iraq-and-syria

Barnard, A. (2011), "Turkish leader says he has lost confidence in Assad", *New York Times* [Internet]. 28 Aug. Retrived from https://www.nytimes.com/2011/08/29/world/middleeast/ 29syria.html

Barnett, M., & Levy, J. (1992), Alliance formation, domestic political economy and third world security, *The Jerusalem Journal of International Relations, 14* (4).

Barzegar, Keyhan (2009), "Iran's foreign policy from the perspective of defensive and offensive realism", *Foreign Relations Quarterly*, *1 (*1).

Brooks, L., & Kanter, A. (1994), Introduction. In: *U.S. intervention policy for the post-cold war world: new challenges and new responses*, eds. linton brooks and arnold kanter, New York: norton & company.

Bucala, P. (2017), Iran's new way of war in Syria. institute for the study of War [Internet]. Feb 2017. Retrived from https://www.criticalthreats.org/analysis/irans-new-way-of-war-in-syria

Chamankar, M. J. (2012), Fields of military intervention of the second pahlavi government in the Dhofar crisis, *Quarterly Journal of the History of Islam and Iran* (Al-Zahra University), *22* (13), [in Persian].

Chamankar, M. J (2014), Untold Stories of the Dhofar War, Institute for the Study of Contemporary Iranian History, Novamber 10, 2014, Retrived from http://www.iichs.ir/News-407 [in Persian].

Chamankar, M. J. (2017), *The role of Iran in the Persian Gulf and Oman sea*, Tehran: Institute for Political and International Studies [in Persian].

Cooper, T., & Bishop, F. (2002), *Iran-Iraq war in the air 1980-1988*, US: Schiffer Publisher.

Davis, M. (2018), Forward defence in depth for Australia. Australian strategic policy institute [Internet], 22 Nov. Retrived from https://www.aspistrategist.org.au/ forward-defence-in-depth-for-australia

DeVore, M. (2012), A more complex and conventional victory: revisiting the Dhofar counter insurgency, 1963-1975, *Small Wars & Insurgencies Journal*. *23* (1), pp.144.173.

Edwards, P. (2015), Two cheers for forward defence, Australian strategic policy institute [Internet]. 29 May [Internet]. Retrived from https://www.aspistrategist.org.au/two-cheers-for-forward-defence.

Eghtesad Online (2017), 12 presidential elections according to statistics, May 22 [Internet]. Retrived from: https://www.eghtesadonline.com/%D8%A8%D8% AE%D8% [in Persian].

Ettelaat Newspaper (1974), Qaboos's support for Iranian aid, August 25, 1974, available: at: https://mashruteh.org/wiki/index.php [in Persian].

Ettellaat Newspaper (1975), Negotiations between the leaders of Iran and Yemen began, August 28, 1975, Retrived from: https://mashruteh.org/wiki/index.php [in Persian].

Falahat Pisheh (2020), "We gave 20 to 30 billion dollars to Syria and we have to get this money back from Syria", *Asriran*, May 20, 2020. Retrived from https://www.asriran.com/fa/news/729501 [in Persian].

Farrokh, Kaveh (2018), *Iran at war:1500-1988*, Translated by shahrbano saremi, Tehran: qoqnoos [in Persian].

Gasiorowski, M. (2009), Legitimacy of the regime and national security: a case study: the pahlavi state, in Iran. In: Azar & Moon, *National Security in the Third World*, Translated by Research Institute of Strategic Studies, Tehran: Research Institute of Strategic Studies [in Persian].

Goodarzi, J. (2013), Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional *Environment, Ortadoğu Etütleri*, *4* (2), pp. 31-54.

Goode, J. (2014), "Assisting our brothers, defending ourselves: the Iranian intervention in Oman, 1972-75", *Journal Iranian Studies*, 47 (3), pp. 441-462.

Hannah, J. (2011), Responding to Syria: the king's statement, the president's hesitation. *Foreign Policy*. 9 Aug. [Internet]. Retrived from http://foreignpolicy.com/2011/08/09/responding-to-syria-the-kings-statement-the-presidents-hesitation.

Helms, R. (1986), "Interview with oral history Iran collection", foundation for Iranian studies [Internet]. Retrived from https://fis-iran.org/fa/oralhistory/Helms-Richard.

Holliday, Fred (1979), *Iran: dictatorship and development*, translated by fazlollah nikaeein, Tehran: amirkabir publisher [in Persian].

Holsti, O. (1995), "Theories of international relations and foreign policy: realism and Its challengers", In: *controversiesin international relations theory: realism and the neoliberal challenge*, edited by Charles Kegley, Wadsworth Group.

Jamshidi, Mohammad Hossein & Seifi, Afsaneh (2017), "Study and explanation of Syrian crisis (2011-2016) Based on michael brechers research model", *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, *6* (3), pp. 25-60, doi.10.30479/psiw.2017.1274 [in Persian].

Jones, C. (2011), "Military intelligence, Tribes, and Britain's war in Dhofar 1970-1976", *Middle East*

Journal, 65 (4), pp. 628-644.

Kam, E. (2017), Iranian military intervention in Syria: a new approach. strategic assessment, Retrived from https://www.inss.org.il/publication/iranian-military-intervention-syria-new-approach

Kamali Dehghan, S. (2015), Top iranian general and six hezbollah fighters killed in Israeli attack in Syria. Guardian [Internet], 19 January. Retrived from www.theguardian.com/world/2015/jan/19/top

Karami, A. (2014), Former RGC commander's comments on Syria censored. Al-Monitor [Internet]. 6 May. Retrived from http://www. almonitor.com/pulse/originals/2014/05/former-irgc

commander-syria-comments-censored.html

Kazemian, M. (2016), Iran in Syria: new confessions, unanswered questions. Radio farda [Internet]. November 30. Retrived from: https://www.radiofarda.com/a/f3-iran-in-syria-confessions-unanswered-questions/28148817.html [in Persian].

Khaddour, K. (2016), "Strength in weakness: the Syrian army's accidental resilience", Carnegie Middle East Center [Internet], March 14. Retrived from https://carnegie-mec.org/2016/03/14/strength-in-weakness-syrian-army-s-accidental-resilience-pub-62968

Khamenei, Ali (2016), Statements in a group meeting with the families of the martyrs who defended the shrine, January 25, 2015, Retrived from: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32186

Khamenei, Ali (2018), attack against Syria is a crime, Iranian students news agency (ISNA), 14 April 2018, https://www.isna.ir/news/97012508419

Ladwig, W. (2008), Supporting allies in counterinsurgency: Britain and the Dhofar rebellion, *Small Wars & Insurgencies*, *19* (1), pp. 62-88.

Lister, Charles (2016), "The Free Syrian Army: A decentralized insurgent brand", brookings institution [Internet]. November. Retrived from https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/11

Luttwak, E. (1976), *The grand strategy of the Roman empire*, Baltimore and London: Johns Hopkins University Press.

MacFarquhar, N. (2012), Syrian rebels land deadly blow to assad's inner circle. New York Times. 18 July [Internet]. Retrived from www.nytimes.com/ 2012/07/19/world/middleeast/suicide

Nadimi, F. (2020), "Iran-Syria air defense pact could disrupt allied operations", *The Washington Institute for Near East Policy* [Internet], July 24.

Nejat, Ali (2017), *The Syrian crisis and regional actors*, Tehran: Abrar contemporary publications [in Persian].

Pahlavi, Mohammad Reza (1974), "No military presence in the Persian Gulf will be allowed", *Ettelaat Newspaper*, March 12, 1974. Retrived from: https://mashruteh.org/wiki/index.php [in Persian].

Pahlavi, Mohammad Reza (1975), The Persian Gulf will be the center of conflict in the coming years (interview with nohamed hassanein heikal), Ayandegan Newspaper, September 15,1975. Available: https://www.melli.org [in Persian].

Pahlavi, Mohammad Reza (2000), *Answer to history*, translated by hossein abutorabian, Tehran: zaryab publisher [in Persian]

Peterson, J. (2012), "The experience of british counterinsurgency campaigns and implications for Iraq", arabian peninsula background note [Internet], July 2009. Retrived from https://www.semanticscholar.org/paper/The-Experience-of-British-Counter-Insurgency-and-Peterson

Phillips, M. (2011), "President obama: the future of Syria must be determined by its people, but President bashar al-assad is standing in their way", White House [Internet], 18 Aug. Retrived from https://obamawhitehouse.archives.gov/blog /2011/08/18/president-obama-future-syria-must-be-determined-its-people-president-bashar-al-assad

Phillips, C. (2016), *The battle for Syria: international Rivalry in the New Middle East*. US: Yale university press.

Reisinezhad, Arash (2020), "Iran's strategic loneliness", *Iranian Diplomacy*, July 22, 2020. Retrived from http://irdiplomacy.ir/fa/news/1993409. [in Persian].

Rabinovich, I. (2019), "How Iran's regional ambitions have developed since 1979", The brookings institution [Internet]. January 24. Retrived from: https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/01/24/how-irans-regional-ambitions-have-developed-since-1979/

Reuters (2016), Death toll among Iran's forces in Syrian war passes 1,000 [Internet]. November 22. Retrived from https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-iran

Schmitt, E. (2016), Al qaeda turns to Syria, with a plan to challenge ISIS. The New York times [Internet]. May 15, Retrived from https://www.nytimes.com/ 2016/05/16/world/middleeast/al-qaeda-turns-to-syria-with-a-plan-to-challenge-isis.html

Shakoori, Abolfazl & Vazirian, Amir Hossein (2019), "Assessing regional power of contemporary iran: comparing pahlavi II and the Islamic Republic", *international Geopolitical of Quarterly, 15* (3) [in Persian].

Simber, Reza & Ruhollah Ghasemian (2014), "Basic Components of Iran-Syria environment", *Quarterly Journal of Strategic Policy Research, 3* (9), [in Persian].

Soleimani, Qassem (2017), General qassem soleimani's letter to the supreme leader of the revolution about the end of ISIS rule, November 21, 2017, Retrived from https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=38253

Stewart, P., & Al-Khalidi, S. (2017), U.S. strikes Syria militia threatening U.S. backed forces: officials. Reuters [Internet]. 18 May. Retrived from https://www.reuters.com/article/us-mideast- crisis-syria-usa

Stockholm International Peace Research Institute (2020), Military expenditure database. Retrived from https://www.sipri.org/sites/default/files/Data% 20for% 20all%20countries%20from%201988%E2%80%932019%20in%20local%20currency.pdf

Strack, C. (2015), Country risk: Syrian government no longer controls 83% of the country". Jane's 360 [Internet]. 24 August. Retrived from https://www.janes.com/article/53771/syrian-government-no-longer-controls-83-of-the-country

Taheri, Amir (1975), “Iran policy in the Persian Gulf”, in: abbas amiri (ed.), *Persian Gulf and Indian Ocean in International Politics,* Tehran: Institute for Political and Economic Research [in Persian]

Taeeb, Mehdi (2012), “If they want to take Syria or Khuzestan”, the preservation of Syria is a priority, Donya-e-Eqtesad newspaper, 11/28/2012; Retrived from https://donya-e-eqtesad.com [in Persian]

Tohidi, M. (2017), “What was the shah looking for in Oman?”, *institute for Iranian contemporary historical studies,* June 7. Retrived from: http://www.iichs.ir/News-4656 [in Persian].

U.S. Department of Defense (2010), *Dictionary of military and associated terms,* US: Washington, D.C.

Uskowi, N. (2018), *Temperature Rising: Iran’s Revolutionary Guards and Wars in the Middle East*. Maryland: Rowman & Littlefield publishers.

Wall Street Journal (2011), Syria opposition leader interview transcript. Wall Street Journal [Internet]. 2 Dec. Retrived from https://www.wsj.com/articles/ SB10001424052970203 833104577071960384240668.75

Waltz, K. (2008), *Realism and international politics*, New York: Routledge.

Waltz, K. (1979), *Theory of international politics*, long grove Ill.: Waveland.

Ward, S. (2009), *Immortal: a military history of Iran and its armed forces,* Washington: Georgetown university press.

White, J. (2013), The qusayr rules: the Syrian regime’s changing way of war. Washington institute [Internet]. May 31. Retrived from http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-qusayr- rules-the-syrian-regimes-changing-way-of-war

Yossef, A. (2019), “Upgrading Iran’s military doctrine: an offensive forward defense”, *Middle East in state* [Internet]. December 10. Retrived from: https://www.mei.edu/publications/upgrading-irans-military-doctrine-offensive-forward-defens.